

درس هایی از دعای ندبه / ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السلام عليك يا بقیة الله

سر آغاز

دعای ندبه، سرگذشت‌نامه‌ی انسان در گذر زمان است.
دعای ندبه، سوگ‌نامه‌ی ناسپاسی انسان در برابر نعمت
والای نبوت و ولایت است.
دعای ندبه، دردنامه‌ی نیکان و پاکان در برخورد با
ظلمت پرستان نورستیز است.
دعای ندبه، درس‌نامه‌ی انتظار منتظران امام موعود است.
دعای ندبه، دردنامه‌ی هجران آن امام حاضر درون و
غایب از دیده است.

«دعا» در فرهنگ بلندپایه‌ی شیعی، آمیزه‌ای از حکمت
استوار الهی، عاطفه‌ی عمیق انسانی، عبودیت مخلصانه‌ی
راستین، ژرف‌نگری در درون، آیین زندگی در دنیا و نگاهی
درست به روز بازپسین است.
عناصر این درون‌مایه، چنان با تار و پود ولایت اهل
بیت علیهم‌السلام، به هم می‌آمیزد که تفکیک آن‌ها از هم، به راستی
کاری دشوار، بلکه محال است.

دعای ندبه نیز، همین ویژگی کلی دعا‌های شیعی را، در حدّی بالا، واجد است. به ویژه آن که در یک نگاه کلی زمزمه‌ی انتظار آن امام همام است که خدای عزیز حکیم، گشایش امور تمام نیکان و پاکان و انبیا و اولیا و اوصیا را به دست گره‌گشای او سپرده است. از این رو، باید همواره آن را بخوانیم، در آن ژرف بنگریم، در حرف حرف آن، کتاب‌های گشوده‌ی ایمان را ببینیم، و قبل از این همه، با مضامین آن آشنا شویم.

درسهایی از دعای ندبه، گامی است کوچک در این راه بزرگ. امید است خواندن آن، درهای معرفت بر روی ما بگشاید، و اهل ایمان را بصیرت افزایش دهد. در این راه، از خدا توفیق می‌طلبیم. و الحمد لله رب العالمین.



راه

وَجَعَلْتُمْ الذِّرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْوَسِيلَةَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ
(خدایا) ایشان (پیامبران و امامان) را، راهی به سوی خود و
وسيله‌ای برای دستیابی به رضایت خود قرار دادی.
خدای جان‌آفرین و جهان‌آفرین، انسان‌ها را آفرید و باران
نعمت‌های خود را بر کویر وجود آن‌ها جاری ساخت. آن‌گاه
در برابر این همه نعمت، از آن‌ها خواست به حکم عقل سلیم که
به آن‌ها بخشیده، نعمت‌هایش را شکر گزارند و کفران نکنند،
یعنی به «عبودیت» او گردن نهند، عبودیتی که خود، سبب
آزادی از تمام قید و بندهای باطل و بیهوده است.
خداوند تعالی برای پیمودن این راه، از مردم خواست که به
بارگاه او «وسيله» جویند، تا مسیر عبودیت را درست بسپیند.
بدین روی، در قرآن بزرگ خود فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ

الْوَسِيلَةَ ﴿۱﴾

﴿ای ایمان آورندگان! تقوا پیشه کنید و به سوی او وسیله
جوئید.﴾

این «وسیله» که خداوند سبحان به سوی خود قرار داده، پیامبران و امامان علیهم‌السلام هستند که از هر گناه و خطایی پیراسته‌اند، و به هر کمال و فضیلتی آراسته‌اند. هر کسی، در هر زمانی، برای جلب رضای الهی، باید به حجّت خدا در زمان خود روی آورد، و جبهه‌ی تسلیم را در برابر او بر زمین گذارد. این حکم استوار الهی- که اصل مسلم عقلی است- از نخستین نتایج قبول نبوت و امامت است، که توحید بدون آن تحقق نمی‌پذیرد.



در پی هم

وَكُلُّ شَرَعَتْ لَهُ شَرِيعَةً وَنَهَجَتْ لَهُ مِنْهَا جَاءً. وَ
تَخَيَّرَتْ لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ
إِلَى مُدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ.

(خدایا) برای هر یک از پیامبران، شریعتی مقرر ساختی، و راهی قرار دادی و جانشینانی برگزیدی که یکی پس از دیگری، هر یک در دوران خود، نگاهبان آن شریعت باشند، تا دین خود را بر پای داری، و آنان را بر بندگانت حجّت گردانی.

درس هایی از دعای ندبه / ۹

پیامبران، در زمان خود برترین آفریدگان خدایند. و از آن جا که آفریده‌اند- نه آفریدگار- عمری محدود در دنیا دارند و اگرچه زمانی دراز هم چون عمر حضرت نوح عليه السلام زندگی کنند، باز هم رخت از این جهان به سرای دیگر می‌کشند. حتی برترین پیامبر- خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله و سلم - بدین گونه مورد خطاب الاهی قرار می‌گیرند.

﴿أَنْكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ﴾

﴿تو- ای پیامبر- می‌میری، و اینان نیز می‌میرند.﴾

اما هر کدام از پیامبران الاهی در زندگی پربرکت خود، راهی در دعوت مردم به سوی حق می‌گشاید، و برنامه‌ای از سوی خداوند برای هدایت مردم زمان خود می‌آورد، که دشمنان فراوان از ظلمت پرستان و گمراهان، نقشه‌هایی در برابر آن دین و شریعت می‌کشند.

برای این که پس از رحلت یا شهادت پیامبری، برنامه‌ی هدایت او، ناتمام و ناقص نماند، خداوند حکیم برای هر یک از پیامبران، جانشینانی معین ساخت، تا هر کدام در زمان خود، راه آن پیامبر را ادامه دهند، دین خدا را بر پای دارند، به هدایت اهل ایمان در آن زمان پردازند، و اختلاف‌ها را برطرف سازند. این است که در تمام ادیان و شرایع، رشته‌ی «وصایت» به عنوان مکمل رشته‌ی «نبوت» از سوی خدای حکیم نصب می‌شود، تا آن که در هیچ زمانی کسی نتواند ادعا کند که در مشکلات و مسائل دینی، پناهگاه استوار الاهی نیافته است.



چشمه‌ی بیکران

قَدِّمْتَهُ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ... وَ أَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا

يَكُونُ إِلَيَّ انْقِضَاءِ خَلْقِكَ

او را بر پیامبران خود مقدم داشتی... و علم تمام رویدادهای گذشته و آینده را- تا زمان سپری شدن آفریدگانت- به او سپردی.

شأن والا و مقام بی‌مانند خاتم‌الأنبياء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در رتبه‌ای بلند است که دست کوتاه اندیشه‌های بشری بدان نرسد. او برگزیده‌ترین بنده و فرستاده‌ی ویژه‌ی خدا است که خداوند حکیم، خوان احسان را برای او گسترده، و دیگران را به طفیل وجود حضرتش بر سر آن خوان نشانده است.

سر خیل تویی و جمله خیل‌اند

مقصود تویی، همه طفیل‌اند

در این عبارات بلند دعای ندبه می‌خوانیم که خداوند عزوجل، رسول خاتم را بر تمام پیامبران دیگر مقدم داشته است. این تقدّم در رتبه و مقام، حضرتش را در میان پیامبران -یعنی بندگان برگزیده‌ی الهی- ممتاز ساخته است. کسی که برگزیده در میان برگزیدگان باشد، طبعاً قابل مقایسه با دیگر مردم نمی‌تواند بود.

این است که در وصف این بزرگ بزرگان سخن نمی‌توان

درس هایی از دعای ندبه / ۱۱

گفت، مگر بدان گونه که خود آن حضرت و جانشینان معصومش علیهم السلام توصیف کرده اند. یکی از مطالبی که در وصف حضرتش گفته اند، آن است که خداوند، علم اوّلین و آخرین را به ایشان سپرده است. رسول خدا، این علم را به تعلیم الاهی فرا گرفت. و با این تعلّم، نه تنها به کبر و غرور و سرکشی نیفتاد، بلکه پیوسته در مقام عبودیت بود. و عبودیت را شرافت و افتخار خود می دانست. علم الاهی، عبادت و عبودیت می آورد. برخلاف علم بشری که غالباً به سرکشی و بزرگ منشی می انجامد.



خانه ی برکت و نور

وَجَعَلَتْ لَهُ وَ لَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِيكَّةً
مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ. فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ
إِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا

اوّل خانه ای را که به سود مردمان نهاده شد، تنها برای او (پیامبر صلی الله علیه و آله) و ایشان (اهل بیت علیهم السلام) قرار دادی، خانه ای مبارک که در مکه است و هدایت برای جهانیان است. در آن، آیات روشن است و جایگاه ابراهیم. و هر که در آن وارد شود، در امان است.

کعبه، معبد دیرین توحید و کهن ترین خانه ی نور در روی زمین است که انسان ها با روی آوردن به آن، درس عبادت را بر

صفحه‌ی وجود خود نشانده‌اند.

این درس عبادت را، از دیرباز، پیامبران الهی به مردم آموخته‌اند و تمامی آنان، مردم زمان خود را به ظهور آخرین رسول و برترین پیامبر نوید داده‌اند. بدین‌گونه، کعبه، خانه‌ی «برکت و هدایت» برای مردمان است، تا در پیکر مناسک آن، روح عبادت و شکر نعمت- یعنی تسلیم در برابر اوامر الهی- جویند. هرکس با چنین شیوه‌ای به خانه‌ی کعبه روی آرد، به «امنیت از عذاب» می‌رسد و گرنه سفری با زحمت پیموده، بدون آن‌که روح این عبادت را شناخته باشد.

این است که روح مناسک حج، هم‌چون دیگر عبادات، عبودیت و بندگی خدا است، یعنی تسلیم در برابر اوامر الهی، و در رأس آن‌ها قبول ولایت پیامبر خدا و ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام که تنها راه هدایت امت‌اند، چرا که در ظلمت فراگیر جهان، مشعل هدایت را خدای بزرگ تنها به دست اینان داده است، چنان‌که برگ برگ تاریخ بر این حقیقت گواه است. از این رو، امامان معصوم علیهم‌السلام در تفسیر آیه‌ی ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾^۱ فرمودند: «هر کس که با ایمان به ولایت اهل بیت، به خانه‌ی کعبه درآید، از عذاب دوزخ در امان می‌ماند.»^۲

۱. آل‌عمران / ۹۷.

۲. حاصل مضمون چهار حدیث از، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام. بنگرید: تفسیر کنزالدقائق، ج ۳، ص ۱۷۱ - ۱۷۲.



هدایت و هشدار

فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيِّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ
- صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ وَآلِهِمْ هَادِيًا، إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنذِرُ وَ
لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ.

چون روزگار او (پیامبر ﷺ) سپری شد، ولی خود
علی بن ابی طالب را- که درودهای تو بر آن دو و خاندانشان
باد- به عنوان هدایتگر برپا داشت، چرا که پیامبر،
هشداردهنده است و هر گروهی را هدایتگری است.

یکی از آموزه‌های بلند و خردپسند حکمت شیعی،
ضرورت پیوند مداوم انسان با خدایش در تمام زمان‌ها است.
خداوند متعال برای انجام این هدف، در هر زمان و دورانی،
حجتی بر آدمیان دارد. این حجت، گاه پیامبر و گاهی امام
است، که رشته‌ی هدایت الهی را در دست دارند. و آدمیان را
به سوی آن فرا می‌خوانند. این همان، «رشته‌ی محکم و
گسست‌ناپذیر هدایت» است، که بدون چنگ‌زدن به آن،
نمی‌توان از کفر به طاغوت و ایمان به خدا سخن گفت.

﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ
بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا﴾^۱

این رشته، همان «حبل‌الله» است که پناه‌بردن به آن، امر

الاهی به مردم در تمام زمان‌ها است:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾^۱

پیامبر خدا ﷺ، امیرالمؤمنین را به عنوان «سگان‌دار» این کشتی هدایت پس از خود، شناسانده، خود را «منذر» و حضرتش را «هادی» نامیده است و این حقیقت، در روایات فراوان، ذیل آیه‌ی: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾^۲ از امامان معصومین نیز رسیده است.^۳



ریشه‌ای دیگر

وَقَالَ: أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَقِيٍّ

(پیامبر) فرمود: من و علی، از یک درخت هستیم و دیگر مردمان، از درخت‌های دیگر.

خداوند حکیم، به حکمت بالغه‌ی خود، برای بعضی بندگان خود، امتیازات ویژه‌ای قرار داده، و در پی آن، امتحانات دشوارتر پیش پای آنان نهاده است، تا ایشان را در مراتب و حالات مختلف زندگی بیازماید، که مسیر عبودیت را چگونه می‌پیمایند.

۱. آل عمران / ۱۰۳. ۲. رعد / ۷.

۳. بنگرید: تفسیر کنزالذقائق ج ۶ ص ۴۱۲-۴۱۵. (بیش از

درس هایی از دعای ندبه / ۱۵

در این میان، پیامبر خدا، علی مرتضی، صدیقه‌ی کبری و ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام جایگاهی ویژه دارند. خداوند سبحان، از سویی بار سنگین تعلیم و هدایت امت در تمام موارد علمی و عملی را بر دوش اینان نهاده، و از سوی دیگر، ایشان را در معرض دشوارترین آزمون‌ها قرار داده است. این بزرگواران، آزمون‌های عبودیت را به بهترین شیوه‌های پاسخ مثبت دادند. و خدایی که از پیش، وفاداری اینان به پیمان‌های الهی را به علم گسترده‌ی خود می‌دانست، آنان را از گوهری دیگر- غیر از گوهر آدمیان دیگر- آفرید. از این رو، امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام در بیانی جامع و ارزشمند فرمود:

«لَا يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ»

«هیچ یک از افراد این امت، با آل محمد علیهم‌السلام قابل قیاس نیست.»^۱

گوهر جام جم از معدن و کان دگر است

تو تَمَنَّا زَجَلِ كَوْزَه‌گِرَانِ مِی‌داری؟

اگر این حقیقت مسلم را با ژرفای وجود بپذیریم، در قضاوت‌های خود نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام، بازنگری می‌کنیم و هر روز بیش از گذشته، به خضوع و خشوع در برابر آن بزرگان آستان الهی تن می‌دهیم.

۱. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۲.



دروازه‌ی شهر دانش

ثُمَّ أُوذِعَهُ عِلْمَهُ وَ حِكْمَتَهُ، فَقَالَ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَى بَابِهَا. فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَ الْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا.
 سپس (پیامبر) علم و حکمت خود را به او (امیرالمؤمنین) سپرد. فرمود: منم شهر علم و علی، دروازه‌ی آن شهر است. پس هر کس ورود به شهر را می‌خواهد و حکمت می‌جوید، باید از دروازه به آن شهر درآید.

رسول گرامی اسلام ﷺ، در اوج فصاحت و بلاغت، بلندترین مضامین و معانی را در قالب ساده‌ترین تعبیرها و روشن‌ترین تصویرها بیان فرمود، تا انسان‌ها در آن بیندیشند و پیوسته از آن درس زندگی فراگیرند.

حدیث «مدینه‌العلم»، نمونه‌ای بارز از این شیوه‌ی بیان است. در این حدیث شریف، پیامبر رحمت و هادی امت، تمام علم را در یک شهر قرار داده است، که خارج از این شهر، هر چه هست، جهل و نادانی است، و جز آن چیزی نیست. یعنی هر کس علم می‌جوید، باید بر آستان بلند پیامبر، سر تسلیم و خضوع فرود آورد، وگرنه آن‌چه پیش روی خود دارد، مجموعه‌ای از فرضیه‌های گذرا و موقت است، نه علم ثابت و یقین‌آور الهی. دقت شود که در این حدیث شریف، «علم» مورد نظر است، نه مطلق «دانستنی‌ها»، که از هر راهی به دست آید.

باری، برای رسیدن به این شهر، باید از دروازه‌های آن وارد

درس هایی از دعای ندبه / ۱۷

شد. و انسان عاقل، راهی جز آن ندارد. وگرنه او را «دزد» می خوانند و «راهزن» می دانند، چنان که امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«و لا تُؤْتَى البُيُوتُ إِلَّا مِنْ أَبْوَابِهَا. فَنَ أتاها مِنْ غَيْرِ
بِأَبْوَابِهَا سَارِقاً»^۱

باب مدینه ی علم و حکمت، کسی جز امیرالمؤمنین و جانشینان راستین حضرتش نیست. امروز حضرت مهدی علیه السلام، واجد این فضیلت بزرگ است، که هر کس علم و حکمت می جوید، باید از حضرتش بخواهد.



محک

ثُمَّ قَالَ: ... «لَوْ لَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ
بَعْدِي.» وَ كَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَ نُوراً مِنَ
الْعَمَى وَ حَبْلَ اللَّهِ الْمُتَيْنِ وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ.

سپس (پیامبر) فرمود: ... «اگر تو نبودى - اى على - مؤمنان پس از من شناخته نمى شدند.» و امیرالمؤمنین علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، هدایتی در برابر گمراهی، نوری در برابر نابینایی، رشته ی استوار الاهی و راه راست به سوی خدا بود.

راه خدا در هر زمان و دروان، یک راه بیش نیست: تسلیم

۱. نهج البلاغه، ترجمه ی فیض الإسلام، خطبه ی ۱۵۳، ص

در برابر اوامر الاهی، و قبول ولایت و سرپرستی حجّت خدا
(پیامبر یا امام در آن زمان).

توحید و نبوّت و امامت، سه وجه یک منشور نورانی
هستند که حیات معنوی انسان، بسته به آن است.

همچنان که در زمان حیات دنیوی پیامبر، ضابطه‌ی ایمان،
قبول نبوّت آن حضرت است، پس از آن، ضابطه‌ی هدایت جان
و نورانیت درون، پذیرش امامت و ولایت جانشین بحق
حضرت اوست. هر کس آن را پذیرفت، نجات می‌یابد و گرنه
راهی جز هلاک در پیش ندارد.

امیرالمؤمنین علیه السلام رشته‌ی استوار الاهی است. انسان‌ها - که
همگی افتادگان قعر چاه دنیا و هوای نفس و شیطان‌اند - برای
نجات از آن، راهی جز پناه‌بردن به این رشته‌ی هدایت ندارند.
این است همان صراط مستقیم که هر فرد مسلمان، دست‌کم ده
بار در روز، در نماز خود، توفیق هدایت به آن را از خدایش
می‌خواهد.

جز این صراط مستقیم، هر راه دیگر که باشد، انسان را از
راه خدا باز می‌دارد.

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا
السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ﴾^۱



تنزیل و تأویل

وَيَقَاتِلْ عَلَى التَّوِيلِ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ...

حَتَّى قَتَلَ التَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ

(امیرالمؤمنین علیه السلام) بر مبنای تأویل جنگید. و در راه خدا، از

ملامت هیچ سرزنش کننده‌ای نهراسید... تا آن‌که

پیمان شکنان (اصحاب جمل) و ستمگران (اصحاب صفین)

و خارج شدگان از دین (اصحاب نهروان) را به قتل رسانید.

زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دعوت خود را به امر الاهی

آغاز فرمود، سه گروه از مردم در برابر حضرتش پدید آمدند:

مؤمنان، کافران، منافقان.

ویژگی‌های این سه گروه در نخستین آیات سوره‌ی بقره، به

خوبی بیان شده است:

مؤمنان: نبوت حضرتش را با تمام وجود پذیرفتند، به قلب

و زبان اقرار آوردند و در عمل خالصانه خود نشان دادند.

کافران، صریحاً به انکار برخاستند و در کمال صراحت، رو

در روی حضرتش ایستادند.

اما منافقان، تنها به زبان ادعای ایمان کردند. اما قلب خود

را کانون انکار حضرتش ساختند و در عمل نیز از هیچ

ضربه‌ای فرو ننشستند.

رسول خدا، به امر الاهی وظیفه یافت که با کافران و

منافقان جهاد کند:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ ﴾^۱

ولی به دلایل فراوان- از جمله ظاهر فریبنده‌ی منافقان که در میان مسلمانان پراکنده بودند- پیامبر خدا ﷺ، امکان رویارویی کامل با منافقان نیافت، گرچه در هر موقعیت، نکته‌ای در شناساندن چهره‌ی واقعی اینان بیان داشت. از آن‌جا که پیامبر ﷺ- به حکم آیه‌ی مباحله و به امر الاهی- امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ را «جان خود» و واجد تمام شؤون خود- به جز نبوت- می‌دانست، جنگ با منافقان را به آن بزرگوار سپرد. از این‌رو، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ بر مبنای تأویل باطن آن، منافقان را منکوب کرد، همان‌گونه که پیامبر ﷺ بر مبنای تزییل (ظاهر) کتاب خدا، کافران را شکست داده بود.



کارنامه‌ی اَمّت

لَمْ يَمْتَثِلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ. وَ
الْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَجْمِهِ وَ
إِقْصَاءِ وُلْدِهِ، إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ
فرمان رسول خدا ﷺ درباره‌ی هدایتگران- که یکی پس
از دیگری می‌آمدند- اجرا نشد. اَمّت، بر کینه‌توزی با آن‌ها
اصرار داشتند و دارند. و بر گسستن پیوندهای خود با
پیامبرشان و آواره ساختن فرزندانش گرد آمده بودند و
آمده‌اند، مگر مردمی اندک شمار، که برای رعایت پیمان

درس هایی از دعای ندبه / ۲۱

حق درباره‌ی آن بزرگواران، به پیمان خود وفا کرده و می‌کنند.

«کفران نعمت» از بزرگترین گناهان و از زشت‌ترین رفتارهای انسان است. پی‌آمد این گناه، عذاب سخت الاهی است، که خداوند چنین هشدار داده است:

﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾^۱

هرچه نعمت، بزرگ‌تر باشد، عذاب ناشی از ناسپاسی آن شدیدتر است. از سویی، خداوند، نعمتی بزرگتر از پیامبر و خاندان معصومش علیهم‌السلام - که معلّمان هدایت و اسوه‌های عصمت‌اند- به بشر عطا نفرموده است.

اما اغلب انسان‌ها- به جز گروهی اندک‌شمار- همواره، آگاهانه و دانسته، این نعمت را ناسپاسی کردند و عمداً - نه از سهو و اشتباه یا جهالت و ناآگاهی - با حجّت‌های خدا به ستیز برخاستند.

﴿وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُتُوًّا﴾^۲

غیبت آخرین حجّت حق، عذاب شدید الاهی است که در نتیجه‌ی کفران نعمت پیامبران و امامان پیشین علیهم‌السلام، گریبانگیر بشر شد. راه‌هایی از این عذاب بزرگ، تنها توبه و بازگشت به پیشگاه خدای تعالی و بستن پیمان وفا با حجّت‌های اوست.



کجایند؟

أَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ؟ أَيْنَ الأَقْفَارُ المُنِيرَةُ؟ أَيْنَ
الأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ؟

کجایند خورشیدهای تابان؟ کجایند ماه‌های درخشان؟
کجایند ستاره‌های نورافشان؟

و چنین شد که بیشتر افراد بشر، در برابر پاک‌ترین پاکان و
دلسوزترین معلّمان دلسوز خود، راه کفران و ناسپاسی را در
پیش گرفتند. دریغا! که بشر، از آن عزیزان بارگاه قرب خدا،
تنها نیکی و احسان و کرامت و مهر و وفا دید. و آن‌همه را با
رفتار زشت و نامردمی و قهر و جفا پاسخ داد!

اکنون در پاسخ این پرسش که «خورشید و ماه‌ها و
ستاره‌های هدایت کجایند؟» چه باید گفت؟
قلم تاریخ، کارنامه‌ی ظلمت‌پرستان را در برخورد با
مشعل‌های هدایت چنین می‌نویسد:

* یکی در محراب عبادت، به دست پلیدترین پلیدان به
شهادت رسید.

* دیگری را در خانه، به جنایت همسر بی‌وفا و
نمک‌شناس، زهر جفا نوشانیدند.

* و آن دیگر را در بیابانی خون‌رنگ، میان دو نهر آب، با
لب تشنه کشتند و نام این جنایت خود را «دفاع از خلیفه‌ی
رسول الله» نهادند!

درس هایی از دعای ندبه / ۲۳

* یکی در مدینه... یکی در زندان بغداد... یکی در کاخ سلطنت... یکی در منطقه‌ی نظامی... هر کدام به شکلی مسموم شدند.

* و مردم این همه را دیدند و دم برنیاوردند.
* و چنین شد که خداوند حکیم، آخرین گوهر امامت را در صدف غیبت، از دسترس چنین نامردمانی محفوظ داشت، تا روزی که پرچم پیروزمند «البيعة لله» را در دست او نهاد، و اذن ظهورش دهد.



احیای کتاب

أَيْنَ الْمُؤْمَلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ؟

کجاست آن (امام موعود) که برای حیات بخشیدن به کتاب

خدا و حدود آن، آرزوی (ظهور) او را دارند؟

پیامبر رحمت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به امر خدایش، پیش از آن که دیده از دنیای خاکی بندد، ره توشه‌ی هدایت را به تمام انسان‌ها سپرد، به گونه‌ای که تا واپسین روزهای این عالم گذرا، بلکه در تمام مراحل برزخ و محشر، انسان را مدد رساند.

پیامبر رحمت، کلید این گنج عظیم نجات را در «حدیث تقلین» نهاد، و دو یادگار ماندگار خود، قرآن و عترت را همواره همراه هم شناساند، که پناه بردن به آن دو- توأمان- سبب هدایت مردم است، تا زمانی که در کنار حوض کوثر، بر حضرتش وارد شود.

مفهوم این عبارت، آن است که هر کس به کتاب بدون تبیین عترت مراجعه کند، به نگاهبانان حریم کتاب ستم کرده است و در نتیجه جز خسران، بهره‌ای از کتاب خدا نمی‌برد.

﴿وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ.

وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾^۱

اما مردم، وصیت گرانقدر پیامبر رحمت را زیر پا نهند، قرآن را به میل و هوای نفس خود برگردانند و مفسران واقعی آن را کنار زدند. در نتیجه «روح» را از کتاب گرفتند. و به «جسم زیبای» آن دل خوش کردند...

و ما را روزی در پیش است که موعود قرآن، پای در رکاب نهد، به احیای کتاب برخیزد، روح حیات در پیکر آن بدمد، و هدایتگری آن را - پس از قرن‌ها غربت و مهجوری- نشان دهد. اللهم عجل فرجه.



عزّت و ذلّت

أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُدِلُّ الْأَعْدَاءِ؟

کجاست عزّت‌بخش دوستان خدا، و خوارکننده‌ی دشمنان

حق؟

بیاییم و چند لحظه چشم سر ببندیم و دیده‌ی دل بگشاییم و

به تاریخ بنگریم:

درس هایی از دعای ندبه / ۲۵

پیامبران، امامان، نیکان و پاکان، چگونه روزگار گذراندند؟
همواره راه نشان دادند، خوان احسان گسترده، مشکل مردم
گشودند، مردم را رهنمون شدند، به رهایی مردم اندیشیدند، و
در یک کلام: تنها خیر و نیکی بود که از آنان به مردمان رسید.
اما در برابر، از مردم چه برخوردی دیدند؟
وفا کردند و جفا دیدند، راه نمودند و ملامت شنیدند،
مشکل گشودند و بار مظلومیت بر دوش کشیدند...

مردم ناسپاس و ستمگران سرکش، بر قامت آنان که
نمایندگان خدای عزیز بودند، تن پوش ذلت دوختند. گاه زبان
تیغ بر بدنشان گشودند، گاه تیغ زبان بر قلبشان کشیدند و
دل‌های پرمهرشان را به آتش کینه‌ی خود سوختند... اما امروز
را فردایی است که خداوند، اولیای خود را عزت دهد و لباس
ذلت بر تن دشمنان بیوشاند، که خود وعده داده است:

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ
يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾^۱

آن روز، روز ظهور پرشکوه آخرین حجّت حق، یادگار و
بازمانده و وارث تمام اولیای الهی است. خدایا! آن روز را
هرچه زودتر برسان.



تنها راه

أَيِّنَ بَابِ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى؟

کجاست راه ورود به بارگاه قرب الاهی، که تنها از این راه، به آن آستان مقدس می توان راه یافت؟

روزی بنی اسرائیل، جنایتی بزرگ مرتکب شدند. خداوند مهربان، برای این که راه توبه بر آنها بگشاید و نیز حجت را بر آنها تمام کند، امر فرمود تا از دروازه ای مخصوص وارد شوند و کلمه ی «حطّه» (ریزش گناه) را بر زبان آورند. آن روز، خدای عزیز حکیم توسط حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام اعلام داشت که توبه ی هیچ کس را نمی پذیرد مگر این از «باب حطّه» بگذرد، و در برابر آن، سر خضوع فرود آورد.

معدودی از افراد که قصد بازگشت داشتند، امر الاهی را گردن نهادند، و به «باب حطّه» درآمدند. اما بسیاری از آنان، تنها به استهزاء زبان گشودند و عواقب آن را دیدند.^۱

خداوند تعالی در میان امت اسلام نیز «باب حطّه» قرار داده است: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه ی هدی عَلَيْهِمُ السَّلَام. هر که می خواهد به قرب و رضوان الاهی برسد، ناگزیر باید به این باب نجات روی آورد، وگرنه سرنوشتی جز هلاکت ابدی و خسران

۱. در سوره ی بقره، آیه ی ۵۸ و سوره ی اعراف آیه ی ۱۶۱ به

این مطلب اشاره شده است بنگرید به تفاسیر قرآن ذیل دو آیه ی یادشده.

درس هایی از دعای ندبه / ۲۷

جاودانی نخواهد داشت.^۱

امروز، مصداق باب حطّه در این امت، امام عصر حضرت حجّه بن الحسن العسکری - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است، که هر کس به راستی نجات و توبه و هدایت می‌طلبد، باید با کمال خلوص و اخلاص، سر خضوع بر این آستان فرود آورد... و تکرار تاریخ را به خوبی در این جا می‌توان دید. به راستی چند تن، امروز این خلوص و اخلاص را به پیشگاه امام زمانشان پیشکش می‌کنند؟!!

ای خدای معرفت‌بخش! معرفت ما نسبت به امام زمانمان را افزون بدار. آمین.



خون خواه

أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ؟

کجاست آن که خون خواه کشته‌ی کربلا است؟

در یک روز جان‌سوز، در گوشه‌ای از زمین، جنایت‌پیشگانی چند، در برابر مظهر لطف و رحمت خدا، سپاهی از کینه و جنایت آراستند. خورشید به اوج آسمان رسیده بود و نظاره‌گر انسان‌نمایی در حضيض شقاوت بود

۱. بنگرید: بحار الأنوار، ج ۲۳ ص ۱۰۵ و ۱۱۹ تا ۱۲۳. به

ویژه بیان روشنگر امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۲۲، حدیث ۴۷.

که با سوء اختیار خود، «احسن تقویم» را رها کرده و «اسفل سافلین» را برگزیده بودند.^۱

در همان روز، فرشتگان مقرب در بارگاه قرب، بی‌قرار و مضطرب از آن همه جنایت و شقاوت، از خدای عزوجل پرسیدند:

خدایا! چرا با برگزیده‌ی تو در میان آفریدگانت، چنین می‌کنند؟ خدای عزوجل در این حال، ملائکه را به آرامش فرمان داد و امام مهدی علیه السلام را به آنان نشان داد و فرمود: من به دست این قائم، از آن‌ها انتقام می‌گیریم.^۲

سال‌ها سپری شد. مردی به پا خاست و سردمداران جنایت بزرگ کربلا را به قتل رسانید. پس از این اقدام مختار، جمعی از کوتاه‌نظران، پنداشتند که خون‌خواهی شهید کربلا، به سامان رسیده است.

اما سال‌ها پس از آن، حضرت باقرالعلوم علیه السلام گنجینه‌ای از معرفت، به دلدادگان خاندان نور سپرد، مجموعه‌ای از کلمات که در روز عاشورا- و هر روز دیگر- بخوانند و راه تولی و تبری ببینند.

از آن روز، شیعیان پیوسته در زیارت عاشورا خواندند:

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ
مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ... وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكِكُمْ

۱. اشاره به آیات ۴ و ۵ سوره تین.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۵ ص ۲۲۱ و ۲۲۸، حدیث ۳ و ۴ و ۲۳.

درس هایی از دعای ندبه / ۲۹

مَعَ إِمَامٍ مَّهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ...

بدین گونه، روشن شد که عظمت فاجعه‌ی کربلا، به حدی است که نه مختار و مانند او، بلکه هیچ مدعی دیگری را نرسد که ادعای خون خواهی شهید کربلا کند. این گام بزرگ بر عهده‌ی آن حجّت خدا است که خدایش در قرآن «منصور» نامید، آن امام موعود که به یاری خدای منتقم، انتقام جدّش را که «مظلومانه کشته شد» می‌گیرد.^۱

خدایا! آن روز انتقام را هرچه زودتر برسان.



دعای گرفتاران

أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى؟

کجاست آن مضطرّ که چون (خدا را) بخواند، دعایش مستجاب گردد؟

هیچ کس نیست که در زندگی فردی و اجتماعی خود با مشکلات روبه‌رو نشود. درد و رنج، همزاد انسان در این دنیا است، که این همراهی، از روزگاران پیشین تاکنون، مهم‌ترین دستمایه‌ی شاعران و ادیبان بوده است.

در این میان، هر کسی به حالت خود بنگرد، مشکل خود را به دشوارترین مشکل در جهان می‌بیند. کمتر کسی است که

۱. اشاره به آیه‌ی ۲۳، سوره‌ی اسراء. در این آیه، «کشته‌ی

مظلوم» به امام حسین عليه السلام و «ولی دم او که منصور است، به امام

مهدی عليه السلام» تأویل شده است. (کنزالدقائق ج ۷ ص ۴۰۳-۴۰۴)

واقع‌بینانه به اطراف خود بنگرد و گرفتاری خود را با گرفتاری دیگران مقایسه کند.

آموزگاری که از دانش‌آموزان خود، قدرناشناسی می‌بیند؛
مدیری لایق که زیردستانش او را می‌آزارند؛
پزشکی حاذق که بیماران به سخنش گوش نمی‌سپارند؛
خدمت‌گذاری صدیق که بدون گناهی، به صرف بدبینی و
سخن‌چینی گروهی به زندانش افکنده‌اند؛

اینان همه خود را «مضطّر» می‌بینند. و چه بسیار که برای
رفع مشکل خود، آیهی «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ»^۱ را
مکرر بخوانند.

اما بهتر است لختی بیندیشیم به:

- معلّم هدایت تمام امت، که اکثر امت، او را از یاد برده‌اند.
- دلسوزتر از پدر و مادر برای همه‌ی مردم، که به دلیل گناه
و غفلت و غرور مردم، در زندان غیبت گرفتار آمده است.
- پزشک جسم و جان ما، که نه تنها نمک‌نشناسانه، به
سخنش گوش فرا نمی‌دهیم، بلکه به بیماری خود افتخار
می‌کنیم.

حال ببینیم و انصاف دهیم که مضطّر واقعی کیست؟ اگر
امروز درست به این پرسش بیندیشیم، فردا که از کنار خانه‌ی
کعبه، صدای دلنشین و روح‌نواز حضرتش به دعا و تضرّع به
درگاه الاهی برخیزد، آن‌گاه بالاترین مصداق آیه‌ی شریفه‌ی

درس هایی از دعای ندبه / ۳۱

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾ برای ما روشن می شود و می فهمیم که مضطر واقعی، اوست نه دیگران و خلیفه‌ی خدا در زمین، اوست نه دیگران.^۱



دانش انباشته

يَا بْنَ الْعِلْمِ الْكَامِلَةِ

ای فرزند علم‌های کامل!

بشر، از دیرباز گرفتار دانستنی‌های ناقص و ناتمام بوده است. اصولاً مبنای دانش بشری بر فرضیه‌هایی است که می‌سازد، آن‌ها را می‌آزماید، آن‌گاه در مورد صحیح بودن یا نبودن آن‌ها نتیجه می‌گیرد. پس از این مراحل، گاهی اوقات فرضیه‌ای به عمری طولانی می‌رسد و گاه عمری کوتاه می‌یابد. اما فرجام تمام فرضیه‌های بشری، مرگ است: هر یک در موعد خود می‌میرد و جای خود را به فرضیه‌ای دیگر می‌دهد. بشر، برای رسیدن به دانش، راهی جز همین مسیر «فرضیه - آزمون - خطا» ندارد. و از همین رهگذر، در تمام زمینه‌ها با مشکلاتی روبرو شده، که گریزناپذیر است، چرا که

۱. آنچه در متن گفته آمد، مبتنی بر چندین حدیث از اهل

بیت است که ذیل آیه‌ی ۶۲ سوره‌ی نمل بیان داشته‌اند. بنگرید به

تفسیر کنزالدقائق ج ۹ ص ۵۸۰-۵۸۳.

مبنای کار او «علم ناقص» است.

در این میان، خداوند تعالی، به بندگان برگزیده‌ی خود، «علم کامل» می‌دهد، علمی که مبنای آن یقین و روشن‌بینی الاهی است، نه فرضیه و آزمون بشری. این شهد گرانها برای کسانی که تلخی ناشی از محدودیت دانش بشری را چشیده‌اند، بسیار مغتنم است.

وجود گرمی حجّت‌های خدا، آن‌چنان با «علم کامل الاهی» عجین شده، که نه «عالم به این علم» بلکه خود، «علم کامل» هستند و امام عصر ارواحنفا، فرزند آن حجّت‌های برگزیده‌ی الاهی است که هر یک در زمان خود، «علم کامل» بودند. حضرت بقیّة‌الله ارواحنفا در زمان ما، همان علم کامل الاهی ست که در زیارت آل‌یاسین در وصف حضرتش می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمُنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ

سلام بر تو، ای پرچم‌افراشته و دانش‌انباشته.^۱

وقتی سخن از چنین علمی برود، جان‌های مشتاق و شیفته به پرواز درمی‌آیند و ظهور آن گرمی را از خدایش می‌طلبند.



مقایسه

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخُلُقَ وَلَا تُرَى وَلَا أَسْمَعُ لَكَ

۱. این ترجمه از استاد محمدرضا حکیمی است. خورشید

درس هایی از دعای ندبه / ۳۳

حَسِيصًا وَلَا نَجْوَى
عَزِيْزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيْطُ بِكَ دُونِي الْبَلْوَى وَلَا يَنَالِكَ مِنِّي
ضَجِيحٌ وَلَا شَكْوَى

بر من بسی گران می آید که مردم را ببینم، ولی حضرت تو را
به چشم نبینم، و از جناب تو هیچ صدایی و نجوایی نشنوم!
بر من بسی گران می آید که رنج بر تو رسد نه بر من، و ناله و
شکوای من به حضرتت نرسد!

انسان، به طبع خود، مدنی و اجتماعی آفریده شده است، از
اُنس با دیگر مردمان لذت می برد و دوری از دیگر انسان ها را
برای خود عذاب و شکنجه ای بزرگ می داند.

اما از سوی دیگر، نامردمی ها، جور و جفاها و تجاوزها به
حقوق دیگران، به حدی زیاد است که گل زیبای معاشرت با
دیگران را در دیدگان انسان های روشن بین، هم چون خار جلوه
می دهد. انسانی که دل در گروه ارزش های الهی دارد، آن گاه
که پیرامون خود، چیزی جز ستم و جنایت و حق کشی نمی بیند،
تلخی انزوا را بر لذت معاشرت ترجیح می دهد.

این مقایسه، آن گاه دردناک تر می شود که ببینیم حجّت بر
حقّ خدا، وارث «خُلُقِ عَظِيمٍ» رسول، صاحب صولت حیدری
و عصمت فاطمی، در زندان غیبت، به این صحنه ها می نگرد، و
اذن تصرّف گسترده در امور انسان ها ندارد.

انسان روشن بین و ژرف نگر، این همه ستم را در سراسر
جهان می بیند، در حالی که موعود عدالت در پس پرده ی غیبت
است.

این است که از ژرفای جان، گرانباری درون را فریاد می‌کشد: سنگین است بر من که همه، اهل غفلت و ستم و نامردمی را ببینم، اما آن حجّت حق را - که دیدنش سبب تذکّر به خدای بزرگ، فریادش بنیان‌کنِ ظلم و مقدمش طلیعه‌ی گسترش عدالت در جان و جهان آدمیان است - نبینم. کی آن روز فرا می‌رسد که مانند فرزدق در وصف امام زمانمان دهان گشاییم، و به جای «أَيْنَ... أَيْنَ» بگوییم: «هذا... هذا...؟»

اللّهُمَّ طال الانتظار



پنهان آشکار

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعَيَّبٍ لَمْ يَحُلْ مِنَّا

جانم فدایت! آن پنهان‌شده‌ای که از ما جدا نیست.

خداوند، زمین را هیچ‌گاه از حجّت خود، خالی نمی‌گذارد. انسان‌ها همواره حجّت خدا را در میان خود دارند. و این چکاد بلند از حکمت خردپسند شیعی است که:

الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ

حجّت خدا پیش از آفرینش انسان‌ها بوده، و همراه با آن‌ها است و پس از آن‌ها نیز می‌ماند.^۱

و فرموده‌اند:

۱. کمال‌الدین، ج ۱ ص ۴، حدیث امام صادق عليه السلام.

درس هایی از دعای ندبه / ۳۵

آخرین کسی که چشم از جهان می‌بندد، امام است، مبادا
کسی در روی زمین باقی بماند که حجّت بر او تمام نشده
باشد!^۱

پس حجّت خدا همواره در روی زمین هست. اما به تعبیر
رسای امیرالمؤمنین علیه السلام: گاهی ظاهر و مشهور است و گاه،
نامن^۲ و ناپیدا^۳

روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دلیل فشارهای مشرکان در
شعب ابی طالب یا غار ثور بود. روزی امام موسی کاظم علیه السلام در
زندان بغداد به سر می‌برد و روزی امام هادی و امام
عسکری علیه السلام در منطقه‌ی نظامی سامرا تحت نظر دشمن
عبّاسی، در شدّت محاصره زندگی می‌کردند. در این حالات،
حجّت حق، نامن بود. اما هم‌چنان حجّت بود، مشعل امامت را
به دست داشت و به شیوه‌های خاصّی راه هدایت را به
هدایت طلبیان نشان می‌داد.

و امروز که آخرین امام از خاندان نور، حضرت مهدی
ارواحنا فداه در شرایط عدم امنیت به سر می‌برد، مانند خورشید
پشت ابر، نور خود را به آن‌ها که از ظلمت گریزانند، می‌رساند.
دیده‌ی دل او را می‌بیند، گرچه هم‌چون بوی گل، به چشم ظاهر
نیاید.

۱. بحارالأنوار، ج ۲۳، ص ۲۱، حدیث ۲۱.

۲. «نامن» در برابر «خائف» به کار رفته است. باید دانست که
ترجمه‌ی «خائف» به «ترسان» چندان دقیق نیست.

۳. نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۱۳۹، ص ۱۱۵۸.

باز آی، ای چو بوی گل، از دیده‌ها نهان

کز رنج انتظار تو، پشت فلک خمید^۱



ای ابر! بیار...

مَتَى نَنْتَفِعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى

چه زمانی از آب گوارای تو، بهره گیریم؟! دوره‌ی تشنگی به
درازا کشید!

«آب» مایه‌ی حیات جان و جهان است. و خدای

حیات آفرین، آن را منشأ زندگی خوانده است.^۲

حیات ظاهر، به آبی وابسته است که از آسمان آبی می‌بارد،
و گیاهان و جانوران و آدمیان را سیراب می‌سازد. بدون این
آب، ریشه‌ی زندگی ظاهری می‌خشکد. اما انسان- اگر بخواهد
به راستی انسان باشد- به زندگانی معنوی و اخلاقی نیز نیاز
دارد.

این حیات معنوی، نیز به «آب» وابسته است، که بدون آن،
انسان نابود می‌شود.

در روایات معتبر خاندان عصمت، «آب» به «ولایت و
هدایت و عقاید حقّه» تأویل شده است.^۳ یعنی این‌که اگر این

۱. بیت از سید علی موسوی گرمارودی.

۲. ﴿وَمِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾ (انبیاء / ۳۰)

۳. بحارالأنوار، ج ۲۴ ص ۱۰۰-۱۰۱ و ۱۱۰.

درس هایی از دعای ندبه / ۳۷

زلال معنوی از فراز آسمان نور بر قلب انسان نتابد، انسان در زندان حیوانیت گرفتار می آید و فقط به ظاهر خود دل خوش می دارد.

کسانی که قدر حیات معنوی خود را می دانند، به خوبی می یابند که به این زلال نور بیشتر نیازمندند تا آبِ ظاهر، چرا که از جسم مرده، آزاری به کسی نمی رسد، اما جسم زنده یا جان مرده، مایه‌ی آزار و اذیت برای خود و دیگران است. کسانی که این نیاز را، از ژرفای درون یافته‌اند، با آن سرچشمه‌ی زلال نور و معنویت، مشتاقانه سخن می گویند و برای فرونشاندن تشنگی وجود خود، از حضرتش کمک می خواهند.^۱



پناهگاه

خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذًا، وَ أَقْتَهُ لَنَا قِوَامًا وَ مَعَاذًا،
وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا. فَبَلِّغُهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا،

۱. خدای بزرگ در قرآن سترگ (سوره‌ی ملک، آیه‌ی ۳۱)
درباره‌ی حالتی سخن می گوید که آب از دسترس انسان‌ها خارج شود.
امامان معصوم علیهم‌السلام تاویل این آیه را درباره‌ی غیبت امام
مهدی علیه‌السلام دانسته‌اند. بنگرید: بحارالأنوار ج ۳۶، ص ۳۲۷؛ ج ۵۱ ص
۵۰ و ۱۵۱.

وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا

خدایا! او (امام عصرا علیه السلام) را برای ما نگاهبان و پناهگاه
آفریدی، حضرتش را برای ما به عنوان عمود خیمه و پناه ما
برپا داشتی، و او را برای ما مؤمنان، امام قرار دادی، اینک از
جانب ما، درود و سلام بر حضرتش برسان و بدین سان- ای
خداوندگار- بر گرامی داشت ما بیفزای!

امام معصوم در فرهنگ الاهی شیعی، ویژگی‌هایی دارد که
هر کدام از آنها، به تنهایی اقتضا دارد که تمام دیدگان خود را
به آن کانون نور بدوزیم:

- پدری مهربان است، حتی برای فرزندان ناخلف
- فریادرس برای همگان است، حتی برای آنها که از او
دادخواهی نکرده‌اند.

- پناهگاه مردمان است، از دوست و دشمن.
- خوان گسترده‌ی احسان است، برای آشنا و بیگانه.
و در یک کلام: مظهر رحمت و اسعه‌ی الاهی است، همان
خدایی که:

يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ... يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ
تَحْتُنَا مِنْهُ وَ رَحْمَةً

می‌بخشد به هر کس که از او بخواهد... و نیز به کسانی که از
او نمی‌خواهند و (بالاتر) او را نمی‌شناسند، از روی دل‌سوزی
و مهربانی.^۱

حال که چنین است، باید خود را هر لحظه بر کنار این

درس هایی از دعای ندبه / ۳۹

خوان گسترده ببینیم، به حکم عقل، صاحب سفره را از یاد نبریم، همواره به یاد داشته باشیم که به یمن نگاهِ کیمائیرِ حضرتش در هر لحظه صدها عذاب و بلا، از فرد و جامعه‌ی ما دور می‌شود.

هم از این رو، پیوسته به محضر مقدّس حضرتش سلام گوئیم، و بدانیم که پیشکش این تحفه‌ی ناچیز بدان بارگاه سلیمانی، بر ارج و ارزش ما می‌افزاید.
خدایا! ما را به گناهانمان مگیر، و عذاب غفلت از آن عزیز گرامی را از جان ما بردار.



پیوند

وَصِلِ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ وَصَلَةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ
سَلَفِهِ

خدایا! میان ما و او، پیوندی برقرار کن که به همراهی ما با گذشتگان حضرتش (پیامبران و امامان پیشین) منجر شود. ما که در این برهه‌ی زمان دیده به دنیا گشوده‌ایم، وصف انبیاء و اوصیاء و اولیاء را بسیار شنیده‌ایم:

- عبادت‌های طولانی و سجده‌های شگفت حضرت آدم

صَفِي اللَّهِ ﷺ

- صبر طاقت‌فرسا و درس آموز حضرت نوح نبی اللَّهِ ﷺ
- عبودیت و تسلیم و رضای حضرت ابراهیم خلیل اللَّهِ ﷺ
- کمالات الاهی و چهره‌ی نورانی حضرت موسی

کلیم الله ﷺ

- مقامات معنوی و زهد و پارسایی حضرت عیسی

روح الله ﷺ

- خُلق عظیم و اوج عروج حضرت محمد مصطفی ﷺ

- علم و حلم و تقوی و نورانیت معصومان پاک ﷺ

این همه را به چشم خود ندیده‌ایم، گرچه از راویان راست‌گفتار شنیده‌ایم، به گونه‌ای که در حدّ دیدن به آن‌ها ایمان داریم؛ امّا دیدن این کمالات و مقامات معنوی و صاحبان آن‌ها لطفی دیگر دارد. و این برای ما- که در این زمان زیست می‌کنیم - مقدور نیست.

اِئَا، خداوند حکیم، ما را در زمان آخرین حجّت خود آفریده است که:

عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَىٰ وَبِهَاءُ عِيسَىٰ وَصَبْرُ أَيُّوبَ.^۱

همان بزرگ که به تعبیر امام صادق ﷺ: «تمام معجزات انبیاء را در بر دارد»^۲

اوست که در روز ظهور، در خانه‌ی کعبه ندا بر می‌آورد، و از پیروان تمام پیامبران پیشین می‌خواهد که پیش آیند و

۱. برگرفته از حدیث آسمانی لوح. بنگرید به کتاب: تحفه‌ی آسمانی (در شرح و توضیح این حدیث)، نوشته‌ی عبدالحسین طالی و محمدحسین صفاخواه، تهران: میقات ۱۳۷۸.

۲. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۴۳؛ اثبات الهداة ج ۷، ص ۳۵۷، حدیث ۲۳۷.

درس هایی از دعای ندبه / ۴۱

مقامات آن بزرگواران را به چشم خود ببینند.^۱
آن روز را، دشمنان دور پندارند، و ما- به بصیرت الاهی-
نزدیکش دانیم.^۲



حقوق آسمانی

وَ اَعْتَا عَلٰی تَاْدِيَةِ حُقُوْقِهِ اِلَيْهِ وَ الْاِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَ
اجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ

خدایا! به ما یاری رسان تا حقوق حضرتش را به او ادا کنیم،
در راه پیروی او بکوشیم و از نافرمانی او دوری گزینیم.
حقوق امام عصر ارواحنا فداه بر عهده‌ی ما، بیش از آن است
که بتوانیم برشماریم. خداوند متعال درباره‌ی نعمت‌های خود بر
بندگان می‌فرماید.

﴿وَ اِنْ تَعُدُّوْا نِعْمَةَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوْهَا﴾^۳

﴿و اگر بخواهید نعمت‌های خدا را برشمارید، نمی‌توانید.﴾
تمام این نعمت‌ها، به واسطه‌ی وجود مقدس حضرت بقیة‌الله
ارواحنا فداه به دست ما می‌رسد از سوی دیگر، به حکم عقل باید
تمام واسطه‌های رسیدن نعمت را شکر گزاریم، یعنی حقوقی را
که به گردن ما دارند، ادا کنیم.

اکنون ماییم و امام زمان عجل الله فرجه، که مهم‌ترین واسطه‌ی رسیدن

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳ ص ۹؛ مکیال المکارم، ج ۱ ص ۱۶۷.

۲. اشاره به آخرین دعای عهد.

۳. ابراهیم / ۳۴؛ نحل / ۱۸.

نعمت‌های مادی و معنوی به تمام مردم است.

بِكُمْ يُنْزِلُ الْغَيْثَ... وَ بِكُمْ يُنْفِئُ الْهَمَّ وَ يَكْشِفُ
الضَّرَّ... بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى الرَّضْوَانِ... بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمْنَا
اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَ أَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا...^۱

بر اساس این جملات- که قطره‌ای از دریای حقایق والای ولایت است- نعمت‌هایی مانند نزول باران، رفع گرفتاری‌ها، فراگرفتن معالم دین، اصلاح مشکلات دنیوی، رسیدن به بهشت جاودان و.... منحصرأً از طریق اهل بیت به مردم می‌رسد، و در این زمان، واسطه‌ی این نعمت‌ها، حضرت بقیة الله است.

از این رو، حقوق حضرتش بر عهده‌ی ما فراوان است، تا آن‌جا که بدون کمک گرفتن از خدای قادر، نمی‌توانیم آن‌ها را ادا کنیم، به ویژه جلب رضای حضرتش و دوری از معصیت آن امام همام، که برای این امور، از خدای سبحان توفیق می‌طلبیم.^۲



به برکت او

وَ اجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَ ذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً وَ
دُعَاتِنَا بِهِ مُسْتَجَابَةً، وَ اجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً وَ

۱. زیارت جامعه‌ی کبیره.

۲. بعضی از این حقوق و راه‌های ادای آن‌ها در کتاب‌های

مکیال‌المکارم، ج ص و آفتاب در غربت بیان شده است.

درس هایی از دعای ندبه / ۴۳

هُمُومَنَا بِهٖ مَكْفِيَةً وَ حَوَائِجَنَا بِهٖ مَقْضِيَةً.

خدایا! نماز ما را، به برکت او مقبول گردان! گناهان ما را به لطف او بیامرز! دعای ما را به عنایت او مستجاب کن! روزی‌های ما را به طفیل او وسعت بخش! مشکلات ما را به دست او حل کن! و نیازهای ما را به برکت وجودش برآور!

خداوند متعال که در اوج غنا و بی‌نیازی است، انسان را به گونه‌ای آورده که در پیشگاه خدایش همواره فقیر و ضعیف است.^۱ و برای رفع نیازهای خود، همواره باید به خالق خود روی آورد، دست عجز و پای نیاز به آن استان بکشد، و واقع‌بینانه به این حقیقت اعتراف کند که همه‌ی نعمت‌ها، تنها از ناحیه‌ی خداست:

﴿ مَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ﴾^۲

حال که می‌خواهیم عرض نیاز کنیم، چگونه برویم؟ چه آدابی به جا آوریم؟ با این فقر گسترده- که حتی آیین عرض نیاز را هم نمی‌دانیم- چه کنیم؟ لطف خدای حکیم، در این مرحله نیز دست ما را می‌گیرد و به ما راه می‌نماید که باید به سوی او «وسیله» بگیرید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ
الْوَسِيلَةَ ﴾^۳

۱. ﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴾

۲. نمل / ۵۳.

(فاطر / ۱۵)

۳. نمل / ۵۳.

خداوند، این وسیله را هم به مردم شناساند: محمد و آل محمد علیهم السلام. امروز، وسیله‌ی ما به درگاه الهی، حضرت ولی عصر ارواحنا فداه است. ما هر چه بخواهیم، باید به این سبب و واسطه، از خدا بخواهیم. چنان‌که در این جملات دعای ندبه، قبولی نماز، آمرزش گناهان، استجابت دعاها، گسترش روزی، حلّ مشکلات و برآوردن نیازهای خود را به واسطه‌ی حضرتش، از خدا می‌خواهیم دست‌گره‌گشای آن پدر مهربان، هر لحظه در کار است و گره می‌گشاید. خدایا! لطف و احسان بی‌پایان او را از ما مگیر.

درس هایی از دعای ندبه / ۴۵

پرسشنامه

۱- در مورد عبودیت نسبت به خداوند، کدام جمله درست

نیست؟

الف) عبودیت، سبب آزادی از تمام قید و بندهای باطل و بیهوده است.

ب) برای این عبودیت، هر کس می تواند راه دلخواه خود را برود، راه او صحیح است.

ج) لازمه ی قبول عبودیت، عقلاً قبول نبوت و امامت است.

۲- وصایت:

الف) ادامه ی نبوت است.

ب) به اختیار مردم است.

ج) لازم نیست، چون احادیث پیامبر در اختیار مردم هست.

۳- حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم:

الف) بشری مانند تمام بشرهای عادی است.

ب) چنان است که نمی توان ایشان را اسوه و الگو داشت.

ج) برگزیده ی برگزیدگان است. به این دلیل، اسوه و الگوی دیگران است.

۴- مناسک حج:

الف) سبب رهایی از عذاب و مشکل دنیوی است.

ب) سبب امنیت از عذاب آخرت است، که با قبول ولایت به دست می آید.

ج) برای رفاه اقتصادی و پیشرفت مالی تشریح شده است.

۵- در مورد «حبل الله» کدام گزینه صحیح است؟
الف) حبل الله یعنی رشته‌ی محکم الاهی (نبوت ولایت) که همواره در میان آدمیان هست.
ب) معنای حبل الله موکول به تفسیر شخصی هر کسی است.

ج) معنای آن روشن نیست.

۶- نسبت اهل بیت علیهم‌السلام با مردم چگونه است؟
الف) هیچ تفاوتی با مردم دیگر ندارند.
ب) بی دلیل و بیهوده از دیگران برترند.
ج) از دیگران برترند. به همین دلیل، وظیفه‌ی سنگین هدایت مردم را بر عهده دارند.

۷- از حدیث «مدینه العلم» می فهمیم که:

الف) هر نکته‌ای را از هر کس باید یاد بگیریم و بپذیریم.

ب) علم صحیح که بتوان به طور کامل پذیرفت، فقط نزد پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام است.
ج) علم الاهی با دانش بشری تفاوت ندارد و خداوند به همه علم داده است.

۸- درباره‌ی صراط مستقیم، کدام گزینه صحیح است؟
الف) صراط مستقیم خداوند، یکی است و متعدّد نیست.

ب) این صراط، راه اهل بیت است که همواره توفیق هدایت به آن را از خدا باید بخواهیم.
ج) الف و ب صحیح است.

درس هایی از دعای ندبه / ۴۷

۹- درباره‌ی مردم زمان صدر اسلام، کدام جمله صحیح

است؟

الف) برخی از آن‌ها منافق بودند که دل پیامبر را آزرده‌اند.

ب) تمام مردم صدر اسلام، محترم‌اند. وضع هیچ‌کدام از آن‌ها را نباید بررسی کرد.

ج) پیامبر، تمام اصحاب خود را مانند ستارگان آسمان دانسته که در پی هر کدام روانه شویم، هدایت می‌یابیم.

۱۰- کارنامه امت اسلام چگونه است؟

الف) هیچ ایراد و اشکالی ندارد.

ب) ناسپاسی کرده و عذاب آن را چشیده است.

ج) تمام گناهانشان بخشیده شده است.

۱۱- چرا اهل بیت علیهم‌السلام به خورشید و ماه و ستاره تشبیه

شده‌اند؟

الف) مانند خورشید و ماه و ستاره، در حالات مختلف نورافشانی می‌کنند.

ب) گاهی قطعه‌هایی از ابر ستم مردمان، مانع نورافشانی آن‌ها می‌شود.

ج) الف و ب صحیح است.

۱۲- کتاب جاودانه‌ی قرآن:

الف) به تنهایی نور است و می‌تواند عامل هدایت باشد.

ب) بدون رجوع به عترت، نمی‌توان از آن بهره گرفت، چون این کار، ظلم به اهل بیت است.

ج) با دانستن زبان عربی با خواندن ترجمه‌ها، می‌توان مطالب آن را فهمید. پس نیاز به مفسر ندارد.

۱۳- اولیای خدا در زمان‌های گوناگون:

الف) همواره عزّت واقعی دارند، گرچه به آن‌ها ستم شود.

ب) همواره در معرض ذلّت بوده‌اند و هستند.

ج) فقط در زمان‌های محدودی که حاکم بوده‌اند، عزّت داشته‌اند.

۱۴- در مورد راه رسیدن به خدا، کدام گزینه صحیح

نیست؟

الف) انسان، اختیار دارد تا این راه را طی کند.

ب) با وجود اختیار، باید از راهنمایان آن کمک بگیرد.

ج) هر کسی با مراجعه به قلب خود، می‌تواند این راه را پیدا کند.

۱۵- خون‌خواهی شهیدان کربلا چگونه انجام می‌شود؟

الف) کشتن ظالمان کربلا، که مختار انجام داد.

ب) تبیین فرهنگ صحیح دین و کج‌روی‌های ستمگران، که در زمان ظهور امام عصر به کامل‌ترین وجه آن انجام شود.

ج) اساساً اسلام، دین رحمت است نه انتقام.

۱۶- آیا حضرت مهدی (عج) را می‌توان مضطر دانست؟

الف) طبق آیه‌ی قرآن و روایات و جمله دعای ندبه،

ایشان همان مضطری است که دعایش مستجاب است.

ب) اولیای خدا به اضطرار، دچار نمی‌شوند.

ج) اضطرار، ویژه‌ی دنیاپرستان است.

درس هایی از دعای ندبه / ۴۹

۱۷- علم الاهی..... و دانش بشری..... است.

الف) کامل- ناقص.

ب) استوار و قطعی- فرضی و لرزان.

ج) الف و ب صحیح است.

۱۸- انسان مؤمن در زمان غیبت.....

الف) اصلاً رنج نمی کشد، چون به خدا ایمان دارد.

ب) رنج می کشد، چون حقّ او را پایمال می کنند.

ج) رنج می کشد، چون می بیند که به امام زمانش ستم

روا می دارند.

۱۹- معنای غیبت امام عصر علیه السلام چیست؟

الف) به هیچ وجه، از حضرتش نمی توان بهره گرفت.

ب) می توان بهره گرفت، مانند پیامبران و امامان

پیشین، زمانی که در زندان و محاصره بوده اند.

ج) برای فرد مؤمن، غیبت و حضور حضرتش یکی است.

۲۰- تأویل آب به ولایت و هدایت،....

الف) در نقل معتبر رسیده و مورد تأیید عقل است.

ب) غلوّ و خلاف ظاهر آیه است.

ج) مخالف قواعد ادبیات عرب است.

۲۱- امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف....

الف) مظهر رحمت و اسعهی الاهی است، که به همه

لطف پدران دارد.

ب) هرچه بیشتر در راه او بکوشیم، بیشتر در معرض

لطف او قرار می گیریم.

ج) الف و ب صحیح است.

۲۲- ما پیامبران و امامان پیشین را ندیده‌ایم....

الف) به این دلیل، نمی‌توانیم به آن‌ها ایمان آوریم.
ب) باید ایمان بیاوریم، چون از زبان راویان راست‌گفتار، اخبار مربوط به آن‌ها را شنیده یا خوانده‌ایم.
ج) فقط باید به حضرت مهدی ایمان بیاوریم و عقیده به پیشینیان لازم نیست.

۲۳- کدام جمله صحیح نیست؟

الف) امام عصر علیه السلام حقی بر ما ندارد، چون بزرگان بر مردم منت نمی‌گذارند.
ب) حقوق امام عصر علیه السلام بر ما فراوان است، چون واسطه‌ی رسیدن نعمت‌های الهی بر ما است.
ج) برای ادای حقوق فراوان امام عصر علیه السلام که بر عهده داریم، باید از خداوند متعال کمک بخواهیم.

۲۴- کدام جمله صحیح نیست؟

الف) اعمال ناقص ما، به برکت و لطف امام زمانمان مقبول بارگاه الهی می‌شود.
ب) هرکس عباداتش مانند نماز و روزه را صحیح ادا کند، خداوند از او می‌پذیرد.
ج) توسل به حضرت مهدی علیه السلام، حکم قرآن است که عقل هم می‌پذیرد.

پاسخنامه

- | | | | |
|--|-----|--|-----|
| <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۱۳- | <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۱- |
| <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۱۴- | <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۲- |
| <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۱۵- | <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۳- |
| <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۱۶- | <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۴- |
| <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۱۷- | <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۵- |
| <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۱۸- | <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۶- |
| <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۱۹- | <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۷- |
| <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۲۰- | <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۸- |
| <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۲۱- | <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۹- |
| <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۲۲- | <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۱۰- |
| <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۲۳- | <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۱۱- |
| <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۲۴- | <input type="checkbox"/> ج <input type="checkbox"/> ب <input type="checkbox"/> الف | ۱۲- |

نام و نام خانوادگی:

سطح تحصیلی:

نشانی:

